



از تهمت و افترا بگیرید ، تا پته یکدیگر را روی آب ریختن و الفاظ ناشایستی که به یکدیگر حواله می کنند.

این اواخر هم مربی یکی از تیم های مطرح شهرستانی خبر از دوپینگ دسته جمعی تیم دیگر این شهرستان داده و بازار این حرفها را حسابی داغ کرده و باعث شد سایر مربیان هم دست بکار شوند و خبر از دوپینگ تیم های دیگر را یکی پس از دیگری مخابره کنند.

نتیجه این شد که تیم های مظنون پای این آقایان را به دادگاه کشیدند و دعوایی در جامعه فوتبال ایران افتاد که تبدیل به یک جنگ تمام عیار شد... از آن طرف ، این فوتبال آنقدر پرونده اش صدا دار و قطور است که آدمیزاد می ماند کدامش را باور کند!

تازه داشت جو آرام میشد که سازمان لیگ قانونی وضع کرد برای آزمایش عدم اعتیاد مربیان شاغل در فوتبال.

نیازی به اطلاع مطلب نیست ... خودتانمی دانید چند نفر به انجام این آزمایش اعتراض کردند!

دیدار : باز هم چشم ما روشن !

اجبی مجبی ، لا ترجی !!!

هر کاری می کنیم اخبار ورزشی مان زیاد مرتبط با فوتبال نشود ، انگار نشدنی ست... که البته این موضوع ناشی از دسته گل های متعددی است که در فوتبال ، یکی پس از دیگری به آب داده می شود !

گذشته از خرافه بودن ماجرا ، اخیرا جریان جادو در فوتبال به شکل داغ تری ، نسبت به گذشته مطرح شده و جادوگران محترم عرصه فوتبال به دلیل سختگیری ها و محرومیت هایی که برای جادو کردن در فوتبال وضع شده ، نرخ جادو جمیل را بالا برده اند .

بالاخره هرچه باشد خطرات این کار نسبت به گذشته بیشتر شده و اگر جادوگر تیم (لو) برود ، برایش گران تمام می شود.

بد نیست بدانید جادوگرها این روزها برای انجام کارشان دست به کارهای جدیدی می زنند که نشان می دهد مثل گذشته بد سلیقه نیستند که یک گالن ۲۰ لیتری (...) را دست بگیرند و دور تا دور زمین چمن فوتبال بریزند !!!

این روزها جادوگرهای فوتبالی (!) حسابی کلاس کارشان بالا رفته و در ظاهری بسیار بهتر و صد البته مقبول تر ظاهر می شوند که درصد شک و گمان ها کمتر شود و به اصطلاح (لو) نروند.

به نقل از یک منبع معتبر به تازگی جادوگرها ، نوچه هایشان را با تیپ و ظاهر یک عکاس یا خبرنگار و یا حتی هوادار ، کنار زمین فوتبال یا روی سکوها می فرستند تا در حین انجام بازی ، از راه نزدیک (ورد) بخوانند و به خیال خودشان دودمان تیم حریف را به باد بدهند!

جالب اینجاست که کادر فنی تیم هایی که این جادوگرها را استخدام می کنند ، با این کار خودشان را زیر سؤال برده اند.

به عنوان مثال بعد از اینکه تیم شان در حضور جادوگر تیم ، حریف را شکست می دهد ، به جای اینکه این پیروزی را حاصل از زحمات گروهی کادر فنی و بازیکنان بدانند ، در محافل خصوصی می گویند : " این جادوگر تیم ، عجب چیز ردیفی است ! کارش حرف نداره!"

البته قصه جادوگر در فوتبال ایران به سالهای بسیار دورتر از این برمی گردد. جائیکه در سال ۱۳۴۲ ، کادر فنی تیم ملی هندوستان در مقابل تیم ملی کشورمان ، یک جادوگر را در ترکیب اصلی شان قرار دادند (!) و انتظار داشتند با حضور این جادوگر (و ظاهر عجیب و قریبی که برای خودش درست کرده بود) بازیکنان تیم ایران را بترسانند و نتیجه را به نفع خودشان رقم بزنند و مثلاً هر بازیکن ایرانی اگر به هندوستان گل زد ، یک بلاهایی سرش بیاید تو مایه های سوسک شدن !!! فکر می کنید آخرش چی شد؟ ۳-۱ به نفع ایران !